

بررسی تأثیر ویژگی‌های روان‌شناختی و جسمی بر مسئولیت کیفری زنان

زینب وجدی^۱

سید باقر محمدی^۲

چکیده

در این پژوهش، تفاوت‌های احکام کیفری زنان در مسئولیت کیفری در جوامع اسلامی و محافل فمینیستی بررسی شده است. هدف، تحلیل علت‌ها و جنبه‌های این تفاوت‌ها و ارائه نگاهی نو به عدالت جنسیتی در حقوق کیفری اسلام است. در این راستا، رویکرد تشابه در نظام حقوقی خانواده نقد شده و نظریه تکمیلی و تعدیلی اسلام تبیین می‌گردد، که بر مبنای آن، زن و مرد با حفظ تفاوت‌هایشان، مکمل یکدیگر در خانواده و زندگی هستند. این نظریه مبتنی بر مفاهیمی چون تعادل، تکمیل، تنظیم و تناسب است. مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تفاوت‌های مسئولیت کیفری زنان و مردان در پنج بخش شامل سن مسئولیت، نوع و میزان مجازات، زمان ارتکاب جرم و اجرای مجازات مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد این تفاوت‌ها به منظور اعطای تخفیفات و تسهیلات برای زنان و اعمال تفاوت‌گذاری مثبت است، و علت آن ویژگی‌های خاص زنان مانند بارداری و قاعدگی است که منجر به تعدیل مسئولیت کیفری می‌شود. این امر نشان‌دهنده توجه اسلام به عدالت در مجازات‌ها بر اساس تفاوت‌های خلقت زنان و مردان است، امری که در گفتمان فمینیستی غالباً نادیده گرفته شده است. هدف نهایی ارائه تصویری دقیق‌تر از جایگاه زن در نظام حقوقی اسلام و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق عدالت جنسیتی در خانواده بر پایه «نظریه تکمیلی» می‌باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری زنان، جرم زنان، مجازات زنان، ویژگی‌های روانشناختی،

ویژگی‌های جسمی زنان

۱. طلبه سطح ۳ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها - مشهد، ایران. mzroghaye99@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، سطح ۴ فقه و حقوق، مشهد، ایران. mailto:sb.muhammadi@gmail.com

طرح مسأله

در دهه‌های اخیر، انتقاداتی از سوی فمینیسم به قوانین اسلامی، به‌ویژه در حوزه حقوق کیفری، مطرح شده است. این انتقادات، عمدتاً بر وجود نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی در این قوانین استوار بوده و بر نابرابری در مجازات‌ها و مسئولیت‌های کیفری زنان و مردان تأکید دارند. در این میان، سؤالات اساسی در مورد مبانی و دلایل این تفاوت‌ها مطرح می‌شود. آیا می‌توان استدلال کرد که قوانین اسلامی، با در نظر گرفتن تفاوت‌های ماهوی میان زنان و مردان، در پی تحقق عدالت بوده‌اند؟ آیا رویکردهای روانشناختی و بیولوژیکی نوین، می‌توانند توجیهی علمی برای این تفاوت‌ها ارائه دهند؟ در پاسخ به این چالش‌ها، این مقاله با رویکردی بین‌رشته‌ای، به بررسی نگرش تبعیضی فمینیسم در قبال قوانین اسلامی می‌پردازد. استدلال اصلی این پژوهش، بر پایه انطباق قوانین شریعت با قوانین طبیعت استوار است. به این معنا که خالق هستی، با آگاهی کامل از تفاوت‌های جسمی و روانی زنان و مردان، قوانینی را تشریع کرده است که متناسب با ویژگی‌های منحصر به فرد هر جنس باشد. هدف این پژوهش، ارائه پاسخی علمی و مستدل به انتقادات فمینیستی، با بهره‌گیری از یافته‌های روانشناختی و بیولوژیکی نوین است. به‌طور خاص، این مقاله به سؤالات زیر می‌پردازد: آیا می‌توان سن مسئولیت کیفری دختران را، با توجه به تفاوت‌های رشدی و روانشناختی آنان با پسران، مورد بازبینی قرار داد؟ آیا این تفاوت‌ها توجیهی برای تفاوت در میزان، نوع، زمان و نحوه اجرای مجازات‌ها ارائه می‌دهند؟ نظریه‌های فمینیستی تا چه میزان به این تفاوت‌های بنیادین توجه کرده‌اند؟

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی (واسطی، ۱۳۸۲، ص ۵۷) و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای در حوزه‌های فقه، روانشناسی، و فیزیولوژی، ابتدا به طور اجمالی به توصیف نظریه فمینیست پرداخته و ضمن بررسی دیدگاه‌های گوناگون فقهی و مواد قانونی مرتبط، به واکاوی ابعاد روان‌شناختی و زیست‌شناختی مسئله در ارتباط با زنان پرداخته است و در نهایت، یافته‌ها با رویکردی تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه، در مورد مجازات ارتداد، تفاوت حکم مرتد ملی و فطری مرد با زن (اعدام در مقابل حبس ابد) قابل بررسی

است. آیا می‌توان استدلال کرد که این تفاوت، با توجه به تأثیرپذیری بیشتر زنان از احساسات و باورها، نوعی احتیاط شرعی برای جلوگیری از تحمیل مجازات سنگین اعدام بر آنان است؟ اگرچه تحقیقاتی در گذشته به وجود تمایزات جنسیتی پرداخته‌اند. همانند، مقاله «مبنای تفاوت مجازات‌ها و اجرای آن‌ها بر اساس معیار جنسیت» نظرزاده (۱۳۹۴)، «نقش جنسیت در مجازات مجرم»، یزدیان جعفری (۱۳۸۸) و «وجوه تخفیف مجازات زنان در فقه و قوانین موضوعه ایران»، مصطفی بخرد، سید ابوالفضل موسویان، محمدعظیم درویشی (۱۳۹۷).

اما به نظر می‌رسد این تحقیقات به صورت کامل به تمام ابعاد مسأله نپرداخته‌اند از جمله بیان دیدگاه فمینیسم و تطبیق آن بر تفاوت‌گذاری مسئولیت کیفری زنان و مسائلی چون تأثیر بلوغ و زمان ارتکاب جرم بر سن مسئولیت کیفری، اما این پژوهش در نظر دارد با بررسی علل و ابعاد گوناگون این تمایزات از جمله جنبه‌های روانشناختی و جسمی، گامی فراتر در جهت تبیین بیشتر این موضوع بردارد.

۱. بررسی اجمالی نظریه فمینیسم درباره جرم‌شناسی

قبل از بیان بررسی‌های انجام شده در این مقاله خوب است به طور اجمال نظریه فمینیسم را درباره جرم‌شناسی بدانیم

به طور کل نظریه فمینیسم دیدگاهی یک دست نیست و دیدگاه‌های مختلفی تحت عنوان فمینیسم وجود دارد که هر کدام شامل فرضیات گوناگون درباره‌ی منبع نابرابری جنسیتی و ستم بر زنان و مسئولیت کیفری آنان هستند که ما یک مورد از آنرا بررسی خواهیم کرد.

۱-۱. لیبرال فمینیست‌ها

فمینیست‌ها درباره‌ی برابری و تفاوت تبیین‌های مختلفی دارند تبیین نخست از آن کسانی است که تنها به وجود تفاوت‌های محدود بدنی معتقدند و تفاوت‌های روانی میان زنان و مردان را انکار می‌کنند. این رویکرد را فمینیست‌های لیبرال در موج دوم فمینیسم مطرح کرده‌اند، آنان معتقد بودند، تفاوت اندکی که میان زن و مرد وجود دارد به نقش زن در

تولید مثل منحصر است. دیگر تفاوت‌های ادعا شده به عناصر فرهنگی و آموزشی بازمی‌گردد که در حوزه‌ی خانواده و اجتماع به فرد تلقین می‌شود. براین مبنا، باور به حقوق نابرابر کاری نارواست. اینان معتقد بودند که باید با ایجاد فرصت‌های برابر جامعه را برای ارائه حقوق یکسان به زنان و مردان آماده ساخت (استوارت میل، انقیاد زنان، ۱۳۷۹، ص ۳۲ و ۸۲). اصول لیبرالیسم مقتضی برابری حقوقی میان مرد و زن است و آن‌ها مدعی دفاع از حقوق یکسان شهروندی برای همه آحاد هستند؛ در نگاه اینان حتی نقش زن در تولید مثل و موقعیت او در خانواده نباید مانع برخورداری از وضعیت مساوی باشد (علاوند، ۱۳۹۷، ص ۷۳).

دیدگاه لیبرال فمینیست‌ها که اجتماعی شدن نقش جنسیتی را به عنوان اولین منشأ ستم بر زنان می‌دانند؛ به عبارت دیگر نقش‌های اجتماعی مردان به عنوان مثال رقابتی و پر خاشگر بودن نسبت به نقش‌های اجتماعی زنان مراقبتی و منفعل بودن بیشتر حاصل وضعیت و قدرت اجتماعی هستند در نتیجه بر برابری اجتماعی قانونی سیاسی و اقتصادی بین زنان و مردان تأکید می‌نمایند. در جرم شناسی لیبرال فمینیست‌ها جرائم زنان را نتیجه اجتماعی شدن نقش جنسیتی می‌دانند و دلیل ارتکاب جرم در زنان نسبت به مردان نوع اجتماعی کردن آن‌هاست که برای زنان فرصت‌های کمتری برای ارتکاب عمل انحرافی فراهم می‌کند (درازی، ۱۳۹۸، ص ۶).

*** نقد:** فمینیسم لیبرال دچار تناقض بزرگی است: پذیرش تفاوت‌های زیستی مردان و زنان و در عین حال اعتقاد به برابری کامل آنان در عرصه اجتماعی. چگونه ممکن است زنانی که نقش ویژه‌ای در تولید مثل دارند یا حداقل در دوره‌ای خاص روانی شکننده‌تر و قوای بدنی ضعیف‌تری دارند، بتوانند به‌طور برابر با مردان رقابت کنند؟ به دلیل ناتوانی در برابری در عرصه رقابت از همه‌جنبه‌ها، لیبرالیست‌ها پیوسته درباره حقوق خاص زنان، به‌ویژه حقوق مرتبط با دوران بارداری و شیردهی، سخن می‌گویند (علاوند، ۱۳۹۷، ص ۴۲۲).

در این مقاله ثابت خواهیم کرد که شارع مقدس با توجه به تفاوت‌های جسمی و روانی زنان، مسئولیت کیفری آنان را متفاوت از مردان قرار داده است. در حالی که فمینیست‌ها خواستار مجازات‌های یکسان و مسئولیت کیفری برابر هستند، آیا واقعاً نادیده‌انگاری تفاوت‌های زنان به نفع آنان است؟

۲. تفاوت‌های زنان و مردان

قبل از بیان تفاوت خوب است بدانیم که زن و مرد از یک ریشه واحد و یک اصل سرچشمه می‌گیرند.

آیات قرآن نیز این موضوع را تصریح کرده‌اند به عنوان مثال در آیه اول سوره نساء می‌بینیم که خداوند مرد و زن را از یک نفس واحد خلق کرده است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء، ۱). اما این دو جنس در مواردی با یک دیگر تفاوت‌هایی دارند که همین تفاوت در خلقت، باعث اختلاف در احکام آن‌ها شده است که خداوند در قرآن صریحاً این موضوع را بیان می‌کند: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء، ۳۲). با توجه به این آیه خداوند می‌فرماید گمان نشود که این تفاوت حقوق و احکام موجب تبعیض است! خیر بلکه همه این‌ها احکامی است که خداوند به حسب نوع آفرینش مرد و زن و توانایی‌های آنان برایشان قرار داده است.

۲-۱. تفاوت‌های جسمی

تفاوت‌هایی همچون اختلاف در کروموزوم‌ها (تکینسون ریتال، ۱۳۷۳، ص ۳۷۸ و ۶۷۹)، تفاوت در هورمون‌ها، غدد و میزان ترشح آن‌ها (کارل، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰)، تفاوت در نوع سلول‌ها (خدا رحیمی، ۱۳۷۷، ص ۴)، تفاوت دستگاه تناسلی و پیچیدگی آن نزد زنان (آیزاک، ۱۳۷۲، ص ۱۸۸)، تفاوت در طول عمر؛ زیرا عمر زنان بیشتر از مردان است (لطف آبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۹). تفاوت در استخوان بندی به خصوص جمجمه و استخوان‌های لگن (گان، ۱۳۷۵، ص ۴)، زنان جثه کوچکتری نسبت به مردان دارند (ساگان، ۱۳۶۸، ص ۵۶). تفاوت در

قاعدگی، شیردهی، بارداری (لی روی، ۱۳۷۷، ص ۲۴) و مواردی از این قبیل که در این بحث نمی‌گنجد چه بسا همه‌ی این موارد در مسئولیت کیفری تأثیر گذار باشد.

۲-۲. تفاوت‌های روحی و روانی

مردان در محاسبه مسائل مربوط به فضا و ریاضیات، به خصوص در هندسه، تجسمی موفق‌تر از زنان دارند و دختران در یادگیری زبان‌های خارجی و ظرائف هنری، توانمندتر از پسران هستند (پیره، ۱۳۷۰، ص ۱۰۴). علاوه بر این مردان در دریافت و تحلیل مفاهیم انتزاعی بهتر از زنان‌اند (رحمتی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۰)، مغز پسران برای واکنش به اشیاء و اشکال و مغز دختران برای حساسیت در برابر انسان‌ها و چهره‌ها طراحی شده است (باربارا آلن، ترجمه ۱۳۸۳، ص ۲۲۳).

مردان عصبانیت خود را غالباً به صورت خشونت‌های فیزیکی اعمال می‌کند و به رقابت میل بیشتری دارند اما زنان عصبانیت خود را بیشتر به شکل غیرمستقیم، یعنی مقاومت منفی که گاه به شکل قهر، کینه‌توزی، سکوت یا شایعه پراکنی است، ظاهر می‌سازند (بارون کوهن، ۱۳۸۶، ص ۷۴).

علاوه بر این موارد، تفاوت روانی مهم دیگری نیز بین زنان و مردان وجود دارد: تسلط بر خود و کنترل عواطف برای تفکر صحیح و قضاوت درست ضروری است. زنان به دلیل شدت عواطف، ممکن است با دشواری بیشتری این کنترل را داشته باشند و از دیدگاه منطقی دور شوند. برعکس، مردان با عواطف کمتر، به راحتی می‌توانند بر خود تسلط یابند و واقعیت‌ها را بهتر تحلیل کنند. در نتیجه، تفکر واقعی و عمیق نیازمند فضای خالی از عواطف است، و این امر برای زنان دشوارتر است (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۸، ص ۲۹).

۳. تأثیر ویژگی‌های روان شناختی زنان بر سن مسئولیت کیفری

با توجه به ماده ۱۴۷ ق.م.ا. سن مسئولیت کیفری (در حدود) در ایران همان سن بلوغ شرعی قرار داده شده است که به تبعیت از نظر مشهور فقهای شیعه در ماده ۱۲۱۰ ق.م. برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری مقرر گردیده است. با توجه به ویژگی‌های روان شناختی بین زنان و مردان، دختران زودتر از پسران به بلوغ می‌رسند،

چون این مسئله در مسئولیت کیفری زنان تأثیرگذار است، در ادامه تفصیلاً این مورد را بررسی خواهیم کرد.

۳-۱. تعریف مسئولیت کیفری

در واقع مسئولیت کیفری در معنای انتزاعی و مجرد قبل از ارتکاب جرم در افراد قابل احراز است و با این معنا مسئولیت کیفری به معنای قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات رفتار مجرمانه خود است؛ به عبارت دیگر مسئولیت کیفری، الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج جرم می‌باشد (میرسعیدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۲).

۳-۲. علل کمتر بودن سن مسئولیت کیفری دختران نسبت به پسران با توجه سن بلوغ آن‌ها

در این بخش باید بررسی کنیم که چه علل روانشناختی و جسمی در دختران وجود دارد که باعث شده سن بلوغ جسمی آن‌ها کمتر از پسران باشد و آیا این علل می‌تواند توجیه‌کننده کمتر بودن سن مسئولیت کیفری دختران باشد؟

الف) تفاوت در زمان شکوفایی عقل

اندیشه و عقل دختران زودتر از پسران شکفته می‌شود. دلیلش آن است که دختران قبل از پسران زبان می‌گشایند و زودتر از آنان آغاز به سخن می‌کنند و توان بیشتری در یادگیری زبان خارجی دارند (لطف آبادی، ۱۳۷۳، ص ۲۴۸ و ۲۴۹) مهارت سخن گفتن با تجزیه و تحلیل ذهنی همراه است. اگر فردی خوب سخن بگوید، سریع‌تر نیز معنی واژه‌ها و ارتباط جمله‌ها را درک می‌کند بنا بر شواهد روانشناختی، این توان در دختران بیشتر است. به کمک زبان انسان می‌تواند اطلاعات اندیشه‌ها، نگرش‌ها و هیجان‌هایش را به دیگری بفهماند یا درک کند، به همین نسبت دختر زودتر می‌تواند مسئولیت رفتار خویش را بپذیرد و بار اعمال عبادی خود را به دوش بکشد (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۱۶۶).

ب) تفاوت زیستی و هورمونی

بلوغ شرعی همان چیزی است که به سن تکلیف نام برده می‌شود و براساس یک سری عوامل طبیعی تشخیص داده می‌شود. بلوغ طبیعی دختران معمولاً زودتر از پسران آغاز

می‌شود، که این تفاوت به دلایل زیستی و هورمونی مرتبط است. از این رو، بلوغ شرعی دختران نیز به‌طور متناسب با این واقعیت‌های طبیعی تنظیم شده‌است، تا هماهنگی میان قوانین دینی و شرایط زیستی برقرار شود. این رویکرد به دنبال انطباق اصول دینی با واقعیت‌های طبیعی و اجتماعی است تا حقوق و وضعیت هر فرد به درستی رعایت شود (فلسفی ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۳۲).

بلوغ و تکلیف دختران پیش از آن که مسئله‌ای تشریعی و اعتباری باشد، حقیقتی تکوینی و فیزیولوژیک است. صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید: «بلوغ، مانند عبادات، امری شرعی نیست بلکه پدیده‌ای طبیعی است که باید از راه لغت و عرف آن را شناخت» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۶، ص ۵).

بنابراین، بلوغ یک امر تکوینی در انسان‌ها، اعم از دختر و پسر است. این که در برخی روایات، خشن شدن موهای اطراف آلت تناسلی یا ترشح غدد جنسی را از نشانه‌های بلوغ می‌داند، مؤیدی بر این مطلب است که بلوغ امری تکوینی، فیزیولوژیک و پسیکولوژیک است.

به عبارت دیگر ساختار وجودی دختران به گونه‌ای است که پیش از پسران به مراحل از رشد و کمال جسمی (فیزیولوژیک) و روحی و روانی (پسیکولوژیک) می‌رسند. از مجموع آراء پزشکی درباره بلوغ این نکات به دست می‌آید:

۱. پزشکان اتفاق نظر دارند که رویدن موهای اطراف شرمگاهی یا زیر بغل یا رویدن ریش در پسران و یا حاملگی و حیض شدن در دختران و زنان کاشف از بلوغ است و بلوغ قبل از این علائم آغاز شده است.

۲. سن بلوغ در دختران و پسران، بسته به این که از چه زمانی هورمون‌های زنانگی و مردانگی شروع به ترشح می‌کند متفاوت است. همین طور بلوغ در مناطق گرمسیری با مناطق سردسیری متفاوت است، رسیدن به بلوغ در مناطق گرمسیر زودتر از مناطق سردسیر است.

۳. بلوغ در زنان زودتر از مردان اتفاق می‌افتد (الجواهری، ۱۳۸۸، ص ۷۱).

سنجش این موارد با معیار بلوغ در شرع، حاکی از آن است؛ که شارع مقدس برای تعیین سن بلوغ به موارد طبیعی و فیزیولوژیک بدن توجه ویژه‌ای داشته است.

۳-۳. بررسی اجمالی سن بلوغ دختران در فقه شیعه

با توجه به اماراتی که درباره سن بلوغ وجود دارد مسئله این است که آیا شارع، سن را اماره تعبیدی می‌داند یا خیر؟ اگر سن اماره تعبیدی است، چه سنی ملاک است؟ بیشتر فقها به طور ضمنی ملتزم‌اند که سن وارد شده در روایات اماره تعبیدی و قرارداد شرعی است (مهریزی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸). برخی بر این مطلب تصریح کرده‌اند؛ همانند صاحب جواهر که در ضمن مطلبی درباره بلوغ می‌فرماید: «لکن این مطلب خلاف راه اصحاب است که سن بلوغ را بلوغ شرعی می‌دانند» و برخی مانند «سید محمدحسن مرعشی» اماریت تعبیدی را نمی‌پذیرند به نظر ایشان: «دختران در نه سالگی هر چند ممکن است تکامل جنسی و غریزی پیدا کنند. اما با توجه به این که غالباً دختران در این سن به حد بلوغ نمی‌رسند و بلوغ در نه سالگی یک بلوغ زودرس می‌باشد نمی‌توان نه سالگی را اماره بلوغ دانست زیرا اماره، وقتی می‌تواند یک اماره محسوب گردد که یا دائمی باشد و یا حداقل غالبی بوده باشد. اشتباهی که در بلوغ دختران رخ داده است از این جا ناشی می‌شود که در بعضی از روایات نه سالگی ذکر شده و فقهای عظام رضوان الله علیه هر چند توجه داشته‌اند که بلوغ مطلقاً بلوغ جنسی و غریزی است، اما فکر کرده‌اند که به دلیل بعضی روایات نه سالگی می‌تواند اماره تعبیدی بر بلوغ بوده باشد و ما در این مقاله به اثبات رساندیم که هر چند دختران می‌توانند در نه سالگی بلوغ جنسی پیدا کنند، بلکه چه بسا قبل از رسیدن به این سن هم دیده شده که به حد بلوغ جنسی رسیده‌اند.

اما چون بطور نادر اتفاق می‌افتد نمی‌تواند اماره بر بلوغ طبیعی بوده باشد و اصحاب هر چند به روایات نه سالگی عمل کرده‌اند اما نمی‌توان در این چنین مسائل از آنان تعبداً تبعیت کرد، بلکه نمی‌توان به این روایات عمل نمود زیرا اولاً؛ با روایات دیگر سازگار نیستند و ثانیاً؛ با واقعیت خارجی غالباً محتوا مطابقت ندارد و ثالثاً؛ با ملاکی که در قرآن برای بلوغ ذکر شده است که رسیدن به حد احتلام باشد هماهنگ نمی‌باشد» (مرعشی، ۱۳۷۱، ص ۶۹-۶۰).

درمسأله سن بلوغ آراء و اقوال فقها به چند دسته تقسیم می‌شود:

- **پایان نه سال قمری:** مشهور فقها پایان نه سالگی را سن بلوغ دختران می‌دانند (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۱۶۳)، برای نمونه «ابن‌ادریس حلی» می‌گوید ظاهر مذهب آن است که نه سال، سن بلوغ است (ابن‌ادریس حلی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۶۷) و همچنین صاحب جواهر می‌نویسد: نظر مشهور فقهای امامیه بر نه سالگی است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۶، ص ۳۸-۳۹).
- **ده سال قمری:** آراء دیگری وجود دارد که ده سالگی را سن بلوغ دانسته‌اند مانند شیخ طوسی در مسأله روزه ۱۰ سالگی را به عنوان سن بلوغ پذیرفته است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۶). همچنین ابن حمزه (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۳۰۱) و یحیی بن سعید حلی این نظریه را پذیرفته‌اند (حلی، ۱۴۹۵ ه.ق، ص ۱۵۳) ولی هر سه نفر از آن عدول کرده‌اند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۳۰۱، حلی ۱۴۵۹ ه.ق، ص ۳۶۰، شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۳، ص ۲۸۲).
- **سیزده سال قمری:** برخی مانند آیت‌الله «یوسف صانعی» سیزده سالگی را سن بلوغ می‌دانند؛ ایشان اعتبار سن را در احراز بلوغ می‌پذیرند و آن را در دختران از نه سال به سیزده سال افزایش می‌دهند و اجابت را تابع سن بلوغ می‌دانند. اما در مورد مسئولیت کیفری قائل به تفکیک هستند و اجرای حدود را تابع سن بلوغ و سایر مجازات‌ها را تابع ضابطه تمیز می‌دانند و در اجرای حدود نیز معتقدند اگر بلوغ مشکوک باشد باید به تعزیر اکتفا نمود (صانعی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۱۸-۶۱۵ به نقل از سواد کوهی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳).
- **هر تکلیفی سنی را اقتضا می‌کند و سن بلوغ در هر تکلیفی فرق می‌کند**
فیض کاشانی در «مفاتیح الشرائع» می‌نویسد: جمع میان اخبار، اقتضا می‌کند، بلوغ سنی، نسبت به تکلیف‌های گوناگون، مختلف باشد. چنان که از پاره‌ای روایات باب روزه ظاهر می‌شود، روزه گرفتن بر دختر پیش از سیزده سالگی کامل، واجب نیست، مگر این که پیش از این سن، خون حیض ببیند، و از پاره‌ای روایات باب حدود استفاده

می‌شود، حدود کامل بر دختر و به سود دختر جاری می‌گردد، آن گاه که نه سال او کامل شود، و نیز در پاره‌ای دیگر از روایات آمده‌است: وصیت شخص ده ساله و برده آزاد کردن او، درست است (کاشانی، ۱۴۰۱، ص ۱۴).

همچنین به نظر آیت الله مکارم شیرازی: بلوغ به حسب ادله شرع، چهار مرحله دارد: الف) بلوغ به معنای سن تکلیف و رعایت واجب و حرام و انجام نماز و مانند آن. ب) بلوغ به معنای آمادگی برای روزه به طوری که مایه ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

ج) بلوغ برای ازدواج، به طوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند و خطر إفضاء و نقائص دیگری در کار نباشد.

د) بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی، به طوری که در معاملات مغبون نشوند (مکارم، ۱۳۸۶، ص ۲۰۶).

اما برخی فقها با این نظریه مخالف هستند صاحب جواهر در اشکال بر این سخن نوشته است؛ آن چه فیض کاشانی گفته، با اجماع علما، مخالف است؛ زیرا ایشان با این که در حد بلوغ سنی، اختلاف دارند، بر این نکته اجماع دارند که با همان بلوغی که حجر از بین می‌رود، تکلیف ثابت می‌شود، و با همان بلوغی که تکلیف ثابت می‌شود، و با همان بلوغی که تکلیف در عبادات ثابت می‌گردد، تکلیف در غیر عبادات نیز ثابت می‌شود و این نکته، در شریعت روشن است و از شیوه فقهای شیعه و سنی دانسته می‌شود که تفاوتی میان نماز و دیگر عبادات نیست، و از هیچ‌یک از فقها شنیده نشده که کودکان را برابر اختلاف مراتب سن، تقسیم کنند و بگویند: برخی از ایشان در مورد نماز، بالغ و در مورد زکات، نابالغ، یا در عبادات، بالغ و در معاملات، نابالغ، یا در عبادات و معاملات بالغ، ولی در حدود، نابالغ‌اند. این نیست مگر به سبب این که بلوغ سنی، تنها یک چیز است و پذیرای تجزیه و اختلاف نیست (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۶، ص ۱۴).

• قرار دادن شرط رشد علاوه بر بلوغ، در برخی مسائل: در نظر فقها، دومین شرط

برای واگذاری اموال به کودک پس از بلوغ، رسیدن به سن رشد است (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۷).

همچنین، اثبات رشد کودک با بلوغ او صورت نمی‌گیرد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۲۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ص ۱۱۹). از سوی دیگر، «محقق حلی» معتقد است رسیدن به سن رشد، دومین شرط برای واگذاری اموال به کودک است (محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۲، ص ۸۵). به نظر علامه حلی، مسئولیت کیفری اشخاص علاوه بر بلوغ، مشروط بر «رشد» نیز هست؛ و بنابراین، این نظریه مطرح شده است که مقصود علامه از «رشد» در مسئولیت کیفری، رشد به معنای عقل (در مقابل جنون) است نه معنای مصطلح و رایج آن (علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۹؛ هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴). اما به نظر می‌رسد، با دقت در عبارات علامه حلی در همان صفحه و کل کتاب، می‌توان به وضوح درک کرد که منظور ایشان از قید «رشد» در مسائل کیفری، رشد به معنای عقل (در مقابل جنون) است و منظور ایشان معنای رایج و مصطلح آن نبوده است (هاشمی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۴).

*تحلیل و بررسی

الف) قیاس اولویت و تأثیر شرایط زیستی

با توجه به مطالبی که بیان شد، مشخص می‌گردد در بحث سن بلوغ، چه در مورد اینکه آیا اماره‌ای تعبدی یا تکوینی است، و چه در مورد این که سن خاصی برای آن مطرح بوده باشد، اختلاف نظر وجود دارد. اما با توجه به قیاس اولویت، می‌توان نتیجه گرفت؛ زمانی که در مسائل مالی، به علت ماهیت و احکام خاص خود، اهمیت کمتری نسبت به مسائل کیفری دارند و در آن‌ها افزون بر بلوغ، رشد نیز قید شده است، پس به طریق اولی در مسائل کیفری نیز باید علاوه بر بلوغ، رشد شرط باشد. در ادامه، این سؤال مطرح می‌شود؛ که با توجه به عقل، چگونه می‌توان مجازات حدی را برای کودک ۹ ساله صحیح دانست؟ از طرف دیگر، تمایزات در بلوغ و تأثیر شرایط زیستی و محیطی در بلوغ، در حالی که احکام اسلامی برای تمام نقاط جهان تشریع شده است، نمی‌توان رسیدن به سن بلوغ

که سن تکلیف عبادی است را برای مسائل کیفری نیز شرط دانست. حتی اگر سن بلوغ شرعی را همان سن رشد عقلی و کیفری محسوب کنیم، باز هم نمی‌توان سن ۹ سال را برای دختران قبول کرد؛ زیرا با توجه به تحقیقات انجام شده، به ندرت دختران در آن سن به سن رشد و تمیز از لحاظ کیفری می‌رسند (کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲).

زیرا بلوغ جسمی و رشد عقلی، دو پدیده متفاوت هستند، و رسیدن به سن بلوغ جسمی به معنای رسیدن به سن مسئولیت کیفری نخواهد بود. رشد عقلی از بلوغ جسمی جدا است، و مسئولیت کیفری زمانی محقق می‌شود که فرد از نظر قوای دماغی تکامل یافته، آگاهی داشته باشد و به مرحله تمیز حسن و قبح ضرر و زیان برسد؛ اصطلاحاً، زمانی فرد رشید است که از نظر جزایی مسئولیت‌پذیر باشد (کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۲).

ب) قاعده «درأ»

قاعده «درأ»، که از قواعد فقهی مسلم و مورد توافق فقها است، به معنای آن است که در صورت وجود شبهه در تحقق جرم، مجازات نباید اجرا شود. به عبارت دیگر، در موارد تردید در اثبات وقوع جرم، احراز شرایط مجازات (مانند بلوغ، عقل، قصد و...)، یا در تطبیق مجازات بر مورد خاص، باید از اجرای حد یا تعزیر خودداری کرد. برای نمونه، فرض کنید دختری ۹ ساله مرتکب عملی شده است که می‌تواند مصداق سرقت باشد؛ اما به دلیل سن کم و فقدان بلوغ عقلی و عاطفی او، شبهه وجود دارد که آیا آگاهانه عمل کرده و قصد ارتکاب جرم داشته یا نه، و آیا قادر به درک پیامدهای عمل خود بوده است؟ در چنین مواردی، قاعده «درأ» حکم می‌کند که مجازات سرقت (مانند قطع دست) بر او جاری نشود. حتی اگر عمل او مصداق جرم باشد، به دلیل وجود شبهه در تحقق شرایط مسئولیت کیفری، اجرای مجازات منتفی می‌گردد.

ج) اصل «عدالت»

عدالت، به عنوان یک اصل کلی و حاکم بر تمامی احکام و تکالیف شرعی، اقتضا می‌کند که میان افراد با شرایط و توانایی‌های متفاوت، رفتاری متناسب صورت گیرد. این اصل، به معنای برقراری توازن و تناسب میان حقوق و تکالیف افراد، و همچنین بین جرم و مجازات

است. در تعیین مسئولیت کیفری، عدالت ایجاب می‌کند که بین افراد بالغ و نابالغ، عاقل و مجنون، و همچنین بین مرتکبان جرایم مختلف، تفاوت قائل شده. در مورد دختران، اصل عدالت ایجاب می‌کند که میان آن‌ها و مردان بالغ در مسئولیت کیفری، تفاوت قائل شد.

(د) اصل «احتیاط از جانب قاضی»

علاوه بر موارد فوق، استناد به اصل احتیاط از سوی قاضی نیز می‌تواند مبنای دیگری برای عدم اعمال مجازات بر اطفال باشد. زیرا در صورت تردید قاضی درباره وجود عنصر مادی یا معنوی جرم، تردید به وجود یا عدم وجود مجازات برای متهم ایجاد می‌شود؛ یا به عبارت دیگر، تکلیف قاضی در اجرای حد است یا خیر؟ برای نمونه، ممکن است قاضی تردید کند که آیا متهم مستحق رجم است یا جلد، چرا که بر عهده او است که در چنین مواردی، با رعایت اصل احتیاط، مجازات را از متهم بردارد یا آن را به کیفر سبک‌تری تبدیل کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ه ق، ج ۴، ص ۸۸). این استدلال، به‌ویژه در مورد اطفال و نوجوانان، از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا اطفال از نظر رشد عقلی و روانی توانایی کامل درک ماهیت جرم و مجازات را ندارند و شبیه در عنصر معنوی جرم در مورد آن‌ها قوی‌تر است. بنابراین، اصل احتیاط ایجاب می‌کند هنگام صدور حکم، جانب احتیاط رعایت شده و از تحمیل مجازات‌های سنگین بر آنان خودداری شود.

۴. تأثیر ویژگی‌های روان‌شناختی زنان بر نوع مجازات

عوامل روان‌شناختی زنان در برخی موارد بر نوع مجازات آنان تأثیرگذار است و این موضوع باعث شده است که شارع در جرم‌های واحد برای زنان و مردان مجازات‌های متفاوتی مقرر کند، چرا که در نوع آفرینش و روحیات زنان مواردی وجود دارد که حکم متفاوتی را اقتضا می‌کند. در این بخش، چند تفاوت در نوع مجازات زنان را بررسی می‌کنیم.

۴-۱. زنای به عنف (زنای از روی اکراه)

در قانون مجازات اسلامی، حد زنای به عنف و اکراه برای مرد اعدام است؛ یعنی اگر مردی با زور و اکراه مرتکب زنا شود، حکم اعدام برای او اجرا می‌شود. ولی قانون در مورد زن

سکوت دارد؛ بنابراین، اگر زنی مرتکب این عمل شود، حد او صد ضربه شلاق است. در فقه اسلامی، چهار روایت وجود دارد که نشان می‌دهد حکم قتل در زنای به عنف تنها مربوط به مردان است، از جمله روایتی که «برید عجلی» می‌پرسد: «از ابو جعفر علیه‌السلام درباره مردی که زنی را با زور و اکراه مرتکب شده است، سؤال می‌شود، و امام می‌فرماید: «کشته می‌شود؛ چه محصن باشد یا غیر محصن» (الحر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۸۱). این روایت نشان می‌دهد؛ که حکم قتل برای زنای به عنف فقط در مورد مردان است؛ ولی از آنجا که زنان تفسیر مضیق دارند، ممکن است استناد به این روایت در مورد آنان خارج باشد (توجهی و توکل پور، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز می‌گوید: «اگر زنی مردی را با تهدید اسلحه یا به صورت دیگری مجبور کند که با او زنا کند و مرد نیز واقعاً در حالت اکراه باشد، حکم مکره در این حالت اجرا نمی‌شود؛ یعنی حد زنای به عنف، که اعدام است، در این حالت فقط حد (رجم یا جلد حسب اختلاف موارد) دارد» (علیان نژادی، ۱۳۷۶، ص ۳۵۱).

۴-۱-۱. علت روان شناختی و جسمی

از دیدگاه روانشناختی، شدت اثرات تجاوز جنسی بر زنان بیشتر از مردان است، که علت آن به ویژگی‌های جسمی و روانی آنان برمی‌گردد؛ زنان ممکن است پس از تجاوز آسیب‌های جسمانی (حسینی و دیگران، ص ۴۰) و روانی بیشتری را تجربه کنند، زیرا اندام تناسلی زنان با مردان متفاوت است و این تفاوت‌ها می‌تواند نمود افسردگی در زنان را بیشتر کند (ارشدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲). در نتیجه، شارع مقدس در حکم زنان و مردان تفاوت قائل شده است، و با توجه به روایتی از امام صادق علیه‌السلام که می‌فرماید: «حیا جزء است که نه جزء آن برای زنان است و یک جزء آن برای مردان» (مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۴۴-۲۴۵)، می‌توان استنتاج کرد چون خداوند سهم زیادی از حیا را برای زن قرار داده است، کسی که به حیای او خدشه وارد کند، از مجازات بیشتری برخوردار است.

عموماً، قربانیان اختلال استرس حاد پس از تجاوز، نشانه‌هایی مشابه اختلال استرس پس از آسیب را بروز می‌دهند، مانند عواطف شدیدی که ممکن است غیرقابل پیش‌بینی باشد؛

این نشانه‌ها معمولاً در ماه‌های پس از تجاوز ظاهر می‌شوند. دیگر علائم شامل احساس بی‌حالی، کمرختی، زوال شخصیت، احساس خواب‌رفتی یا غیرواقعی بودن دنیا، دشواری در به خاطر آوردن بخش‌های مهم تجاوز، اجتناب از خاطرات، مکان‌ها، افکار یا احساساتی که تجاوز را یادآوری می‌کنند؛ اضطراب، مشکل در خوابیدن، تمرکز و... است. در یک سوم تا دو دوم قربانیان این نشانه‌ها پس از ماه‌ها ادامه یافته و ممکن است شرایط تشخیص اختلال استرس پس از آسیب را برآورده کند. به طور کلی، تجاوز و آزار جنسی عمده‌ترین عوامل بروز سندروم آسیب پس از حادثه در زنان هستند (افشار، ۱۳۹۹، ص ۸۰-۹۱).

۴-۲. زنا با نابالغ

اگر مردی که دارای شرایط احصان است، با دختر نابالغ زنا کند، مجازات او رجم و یا به جهت زنای به عنف، اعدام است. ولی اگر زنی که دارای شرایط احصان است، با پسر نابالغ زنا کند، حد زن صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۲۵ ق.م.م. مقرر می‌دارد: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است».

تبصره ۲ ماده ۲۲۴ ق.م.ا. نیز تصریح می‌کند: «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف- زنا با محارم نسبی

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ- زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است

ت- زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است»

تبصره ۱: مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

تبصره ۲: هرگاه کسی در حال بیهوشی، خواب یا مستی با زنی که رضایت ندارد، زنا کند، رفتار او در حکم زنای به عنف است. در مواردی که زنا از طریق اغفال، فریب، ربایش، تهدید یا ترساندن دختر نابالغ صورت گیرد، حکم فوق جاری است. در این

تبصره، زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ، زناى به علف و اکراه محسوب شده، و مجازات آن اعدام است.

همچنین، زناى زن محصنه با پسر نابالغ در ماده ۲۲۸ ق.م.ا. فقط صد ضربه شلاق دانسته شده است؛ ماده ۲۲۸ مقرر مى‌دارد: «در زنا با محارم نسبی و زناى محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانى نابالغ باشد، مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است». از نظر امام خمینی (رحمه‌الله علیه): حد زن عاقل و بالغ، اگر پسر بچه با او زنا کند، چه زن محصنه باشد، چه نباشد، تازیانه است (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۴).

۴-۲-۱. علت روان‌شناختی و جسمی

همان دلیلی که در مورد زناى به علف گفته شد، در اینجا نیز مطرح می‌شود؛ زیرا شدت و اثر روانی که زناى یک زن با پسر بچه بر جای می‌گذارد، بسیار کمتر از فشار روانی و جسمانی است که زناى یک مرد با دختر بچه ایجاد می‌کند. زیرا تفاوت در اندام تناسلی مردان و زنان و اندازه آن‌ها باعث می‌شود که اثرات جسمی و روانی بر دختران نسبت به پسران بیشتر باشد، و مهم‌ترین عامل در این زمینه افضا است. از عوامل افضا، رابطه جنسی خشونت‌بار قبل از بلوغ است که شهید اول در لمعه، آمیزش زن و شوهر در صورتی که زن کمتر از سن بلوغ باشد را حرام دانسته است؛ زیرا موجب افضا می‌شود (نبطی جزینی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷۴). این در حالی است که افضا در پسران رخ نمی‌دهد؛ و از سوی دیگر، دختران از نظر روحی مشکلات بیشتری نسبت به پسران تجربه می‌کنند (قائمى، ۱۳۷۱، ص ۱۰۸).

علاوه بر این، آزار جنسی کودکان در برخی موارد آثار جسمانی مانند زخم‌هایی در مثانه، مقعد، و واژن یا جراحتهایی در آلت تناسلی به جای می‌ماند؛ مطالعات نشان داده است مشکلاتی مانند درد در ناحیه سر، شکم، روده‌ها، و اختلال در خوردن و خوابیدن، از عوارض آزار جنسی کودکان است (راهب، ۱۳۸۸، ص ۸۸).

به طور کلی، سوء استفاده جنسی در دختران در دوران کودکی، مرحله‌ای را برای بروز اختلالات روان‌پزشکی تعیین می‌کند، زیرا سبب کاهش توسعه درک خود و ایجاد

مشکلات در روابط بین فردی می‌شود؛ و منجر به پاسخ‌های نادرست به رویدادهای استرس‌زا می‌گردد (رمضانی و شجری، ۱۴۰۲، ص ۷).

آمار نشان می‌دهد که معمولاً کودکان قربانی تجاوز دچار افسردگی می‌شوند؛ و علائم آن شامل غم شدید، کاهش انرژی، بی‌اشتهایی، بی‌خوابی و احساس یأس و ناامیدی است. اضطراب شدید و ترس از محیط اطراف در این کودکان دیده می‌شود که می‌تواند شامل ترس از رها شدن یا از دست دادن محبت دیگران باشد. نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه مانند کابوس‌های شبانه، وحشت‌زدگی، و بازگشت مکرر به خاطرات دردناک، از عوارضی است که تجاوز بر دختران نابالغ می‌گذارد (راهب، ۱۳۸۸، ص ۸۷-۸۸).

۳-۴. ارتداد

مجازات ارتداد برای مرتد ملی و فطری مرد اعدام است، ولی برای زن در هر دو فرض ارتداد ملی و فطری حبس ابد است. امام خمینی (رحمت الله علیه) می‌فرماید: «فالفطری لا یقبل إسلامه ظاهراً، و یقتل إن کان رجلاً، و لا تقتل المرأة المرتدة و لو عن فطره، بل تحبس دائماً ... و المرتد الملی یستتاب، فان امتنع قتل؛ اسلام مرتد فطری، در ظاهر (باطناً ممکن است خدا بپذیرد) پذیرفته نمی‌شود و اگر مرتد مرد باشد کشته می‌شود و مرتد زن حتی اگر مرتد فطری باشد کشته نمی‌شود و حبس ابد محکوم می‌شود. و در مرتد ملی، مرد، توبه داده می‌شود پس اگر از توبه امتناع کرد کشته می‌شود» (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۹۴).

۳-۴-۱. علت روان‌شناختی وجسمی

این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌های روان‌شناختی زنان و مردان است. زنان به طور کلی احساساتی‌تر، دمدمی‌تر و زودتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و باورهای آنان نیز زودتر تغییر می‌کند (جهانگیری، ۱۳۸۵، ص ۳۵۲). شخصیت زن مانند موج در تلاطم است؛ بالا و پایین می‌رود (کری، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲) و این بالا و پایین رفتن رفتارهای روانی زنان با نوع و فیزیولوژی بدن آنان در ارتباط است (روبن و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸).

برعکس، هورمون‌های مردان ترشحی دائمی و یکنواخت دارند که باعث ثبات خلق و عاطفه می‌شود؛ در حالی که هورمون‌های زنان در نوسان است (امیر تیموری، ۱۳۷۶، ص ۳۹۹). در نتیجه، نوسان هورمونی حالت روانی مختلفی را در زنان پدید می‌آورد. خداوند حکیم، که به خصوصیات و ویژگی‌های روان‌شناختی زنان آگاه است، در احکام و مجازات‌ها نیز این تفاوت‌ها را در نظر گرفته است؛ بنابراین، مجازات زنان در ارتداد اعدام قرار نداده و راه توبه را برای آنان باز نگه داشته است.

۵. تأثیر ویژگی‌های روان شناختی بر میزان مجازات

همانطور که ویژگی‌های روان شناختی زنان در نوع مجازات تأثیرگذار بود، ویژگی‌های دیگری نیز می‌یابیم؛ که در میزان مجازات تأثیرگذار است. در ادامه چند نمونه از آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

۵-۱. حد قوادی

ماده ۲۴۳ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است».

حکم شرعی قوادی (بنابر مشهور)؛ برای مرد، تبعید و سرش تراشیده می‌شود و در دید مردم گذاشته می‌شود ولی در زن، تبعید و تراشیدن سر قرار داده نشده است (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۱).

۵-۱-۱. علت روان شناختی و جسمی

شهید ثانی (رحمت الله علیه) می‌فرماید: «... ولا جزّ علی المرأة و لا شهرة و لا نفی للاصل و منافاة النفی لما یجب مراعاته من ستر المرأة» (شهید ثانی، ج ۳، ص ۲۶۵). ایشان تراشیدن موی سر زن را و گرداندن او در شهر را مخالف با اصل می‌دانند زیرا این کار کاملاً با اصل، که حفظ شئون زنانه است در تضاد است. (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۰). به علاوه گرداندن زن در شهر

و مشهور نمودن او در میان مردم با اخلاق اسلامی منافات دارد و مخالف با مستور بودن زن است (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳ ه.ق، ص ۴۴۴).

به لحاظ روان شناسی مجازات تبعید برای زنان دردناکتر از مردان است. رنج انزوا و احساس تنهایی که دامنگیر بسیاری از زندانیان است در مورد زنان به اوج خود می‌رسد (بستان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸).

۵-۲. مجازات قصاص زنان و مردان

مردان به‌طور معمول در خانواده نقش مهمی در تأمین مالی و اقتصاد خانواده دارند و با فعالیت‌های اقتصادی خود، چرخ زندگی خانواده را به‌پیش می‌برند. از این رو، تفاوت میان از دست دادن یک مرد و یک زن از نظر اقتصادی و مالی به وضوح مشخص است.

اگر این تفاوت‌ها در نظر گرفته نشوند، خسارت قابل توجهی به بازماندگان مرد و فرزندان بی‌گناه او وارد خواهد شد، لذا اسلام در مسأله‌ی قصاص (زمانیکه یک مرد زنی را به قتل برساند مرد را در صورتی قصاص می‌کنند که خانواده مقتول نصف دیه را به خانواده قاتل بپردازند) قانون پرداخت نصف مبلغ در مورد قصاص مرد به منظور رعایت حقوق همه افراد و جلوگیری از آسیب‌های اقتصادی به خانواده‌ها طراحی شده است.

این رویکرد به دنبال حفظ توازن و عدالت در جامعه است و تلاش می‌کند تا حقوق فرزندان و بازماندگان فرد قصاص شده را نیز در نظر بگیرد^۱ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۵ و ۴۷۶).

۶. تفاوت در زمان ارتکاب جرم

۶-۱. تأثیر قاعدگی و سندروم پیش از آن در زمان ارتکاب جرم

برخی از احکام شرعی گواه بر این است که خداوند توجه ویژه‌ای به این دوران داشته است، حتی برخی از احکام در این دوران متفاوت است، مثلاً براساس ماده ۱۱۴۰ قانون مدنی «طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست».

۱. البته این مسأله در جوامع مختلف متفاوت است.

بنابراین طلاق، در صورتی به طور صحیح واقع می‌شود که، در مدت عادت ماهیانه زن نبوده باشد شاید هدف از این حکم خداوند آن است که طلاق، در زمانی انجام شود که زن با آرامش روانی و به دور از هرگونه رنج و مریضی جسمی به این عمل فکر کند و تصمیم او ناشی از هیجانات منفی و خشم و افسردگی نباشد (جان قربان ولطیف نژاد، ۱۳۹۳، ص ۵۱). همچنین با توجه به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی بند (ث) یکی از جهات تخفیف، بیماری یا وضع خاص متهم است.

۶-۱-۱. علت روان‌شناختی و جسمی

سندرم پیش‌از قاعدگی اختلالی شایع در میان زنانی است که در سنین باروری هستند. هم اکنون بسیاری از محققین سندرم پیش‌از قاعدگی را به عنوان یکی از شایع‌ترین اختلالات مزمن فعلی در جهان در نظر می‌گیرند نشانه‌های این سندرم بسیار گسترده است (تاراج و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۲۲). علایم روانی این سندرم، انزوایی، غیبت از کار، فقدان تمرکز، کاهش کارآیی، اجتناب از فعالیت اجتماعی، افزایش بروز حوادث رفتارهای جنایی و تمایل به خودکشی است.

مسئله‌ی رنج و آزاری که در دوران قاعدگی برای بانوان وجود دارد در قرآن کریم نیز اشاره شده است. همان‌طور که می‌بینیم خداوند در آیه ۲۲۲ سوره بقره می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ...» و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو: آن رنجی است (برای زنان) در آن حال از مباشرت آنان دوری کنید (بقره: ۲۲۲).

کلمه‌ی «اذی» از لحاظ لغت: آزار و آنچه از او آزار یابند (ابن معروف، بی تا، ص ۲۴) و نوعی رنج، زحمت (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۶) و ناخوشایندی است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۵۸) و از لحاظ تفسیری دوره‌ای سخت (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۳۴۹) و کلمه‌ی جامعی از عارضه‌ی اختلال آور، آزار رسان و ناراحت کننده است. از سویی دیگر غلظت و عفونت و سوزندگی خاص این خون، موجب اختلال مزاج و تشنج اعصاب زن می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۲).

با توجه به عوارضی که قاعدگی برای زنان ایجاد می‌کند و آثاری که بر روی جسم و روان زن می‌گذارد، می‌توان آن را همانند بیماری مشمول بند(ث) قانون ۳۸ قانون مجازات اسلامی دانست و قاعدگی موجب شود زنی که در دوران قاعدگی مرتکب جرمی می‌شود مشمول تخفیف مجازات شود.

۶-۲. تأثیر افسردگی زایمان در زمان ارتکاب جرم

طبق ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا فاقد تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد». فرضیه این که آیا افسردگی پس از زایمان می‌تواند تحت شمول این ماده قرار بگیرد یا نه قابل بررسی است. یافته‌های پزشکی نشان می‌دهد که، بلافاصله پس از زایمان سطح هورمون‌ها در بدن دچار نوسان می‌گردد، سطح استروژن و پروژسترون که به میزان زیادی طی حاملگی افزایش یافته است، به طور ناگهانی افت می‌کند این تغییر ناگهانی می‌تواند سبب افسردگی گردد علاوه بر این تغییرات سطح هورمون‌ها، فعالیت دستگاه ایمنی و سطح متابولیسم بدن، همگی پس از تولد کودک تغییر می‌کند و این تغییرات موجب خستگی و نوسانات احساسی در زن می‌شود (کیانی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲).

این سندرم ترکیبی از ناخوشی‌های جسمی، روحی و تغییرات رفتاری است، که بعضی از زنان پس از تولد فرزند آن را تجربه می‌کنند. افسردگی پس از زایمان و ادله و ادامه اختلال و عدم تشخیص و درمان به موقع آن، منجر به عدم تطابق مؤثر مادر با کودک، همسر با خانواده و در نتیجه عدم توانایی انجام وظایف مادری و همسری می‌گردد که در صورت تشدید، منجر به خودکشی مادر یا فرزندکشی می‌گردد (رنجبر، ۱۳۹۴، ص ۷۵).

با توجه به موارد فوق اگر افسردگی پس از زایمان درمان نشود، اختلالات روحی روانی شدیدی در مادر ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که مادر در شرایط خاص نتواند تشخیص و تصمیم صحیحی داشته باشد. خوب است قانون‌گذار این مورد را تحت شمول ماده ۱۴۹

قانون مجازات اسلامی قرار دهد. به طوری که حتی اگر موجب عدم مسئولیت کیفری نمی‌شود، حداقل موجب تخفیف مجازات بشود.

۷. تفاوت در زمان اجرای مجازات

اجرای مجازات زنان، با توجه به ویژگی‌های خاص آنان با مردان متفاوت است.

۷-۱. عوامل تأخیر در مجازات زنان

۷-۱-۱. بارداری و شیردهی

با توجه به ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک. «اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد: الف- دوران بارداری (ب)- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه (پ)- دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی».

مطابق با ماده ۴۳۷ قانون مجازات اسلامی زن بارداری که محکوم به قصاص است، اجرای حکم او مشروط به وضع حمل است. اگر چه پس از حمل نیز ترس تلف شدن طفل باشد، تازمانی که حیات طفل محفوظ بماند قصاص به تأخیر می‌افتد. این مؤید بر این است، که به نظر «محقق حلی» بر زن باردار، اجرای قصاص صورت نمی‌گیرد، تا جنین متولد شود هرچند بعد از استحقاق عقوبت باردار شده باشد (محقق حلی، ج ۴، ص ۲۱۶).

۷-۱-۱-۱. علت روان‌شناختی و جسمی

بارداری به همراه عوامل روان‌شناختی، فیزیولوژیکی و تأثیر ترشحات غدد درون ریز تأثیر زیادی بر جسم و روان زنان دارد و می‌تواند بر روند طبیعی زندگی شان تأثیر گذارد، افسردگی از شایع‌ترین بیماری‌های روانی است که می‌تواند با کاستن توانایی‌های افراد از پیشرفت و اعتلای فرد در انجام وظایفی که به عهده اوست جلوگیری نماید. ۱۰ تا ۱۵ درصد زنان در دوران بارداری دچار افسردگی می‌شوند که عامل خطر مهمی برای افسردگی بعد زایمان است (شب‌انگیز و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲). بنابراین به نظر می‌آید شارع در زمان اجرای مجازات زنان به حالات روحی و جسمی او توجه ویژه‌ای داشته است البته غیر این مورد چون جان شخص ثالثی هم در میان است اگر بارداری برای زن مانع نبود با اصل شخصی بودن مجازات در تعارض بود.

۷-۱-۲. حیض

باتوجه به ماده ۵۰۱ ق.آ.د.ک. «اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه انجام نمی‌شود» و مؤید بر این مطلب، در روایتی از امیر المومنین علیه السلام آمده است که: علاوه بر زن آبستن تا زمان وضع حمل و زن زایمان کرده تا زمان پاک شدن، بر زن حائض نیز تا زمانی که پاک شود حدی وجود ندارد» (برجودی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۷).

۷-۱-۲-۱. علت روان‌شناختی و جسمی

زنان در طول حیض دچار نوسان هورمون‌ها می‌شوند که تأثیر بسزایی در روحيات و خلیقات آن‌ها دارد در روزهای آغازین قاعدگی نشانه‌های چون افسردگی، اضطراب، تحریک پذیری، خستگی، دردهای شکمی، عصبانیت و... دیده می‌شود (خدارحیمی، ۱۳۷۷، ص ۲۵) و تعادل ذهنی متوازن ندارند (گری، ۱۳۷۷، ص ۹۸) و همچنین در دوران قاعدگی زنان از لحاظ روانشناسی و پزشکی به حالت‌هایی مثل تغییرات ناگهانی خلق، بی‌حوصلگی، عصبی بودن، خستگی و ضعف دچار می‌شوند که همه این حالت‌ها در دوران (استحاضه، نفاس و...) وجود دارد که در قاعدگی شاید به طریق اولی وجود داشته باشد (یزدی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۷). این موارد روانشناسی نشان می‌دهد که خداوند به نوسان‌هایی که زنان در دوران قاعدگی متحمل می‌شوند، توجه داشته‌است و از اجرای مجازات در آن زمان نهی کرده است.

۷-۲. شیوهی اجرای مجازات مخصوص زنان

مطابق با منابع شرعی و قانون در خصوص نحوهی اجرای حکم در مجازات‌های حدی میان زنان و مردان تفاوت‌هایی وجود دارد که این تفاوت‌ها در ضمن مواد ۱۰۲، ۱۰۰، ۱۷۶ ق.م.ا (مصوب ۱۳۷۰). مطرح شده است مثلاً در بحث شلاق مرد باید ایستاده باشد به طوری که به جز عورت لباسی بر تن نداشته باشد و زن نشسته باشد و لباس‌های او به بدنش چسبیده باشد. و همچنین در فقه زن نشسته و در حالی که لباس‌هایش تنش است تازیانه می‌خورد (امینی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۶۰۲) و در مورد رجم مرد را تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن کنند آنگاه رجم نمایند (تبریزی، ۱۴۱۷، ق، ص ۱۴۱).

۷-۲-۱. علت روان شناختی جسمی

علت تفاوت در نوع اجرای این دو می تواند به خاطر تفاوت در جسم زن و مرد باشد به طوری که همه ی بدن زن عورت محسوب می شود. اما در مرد این گونه نیست لذا باید پوشیده باشد (مسعودی فر ۱۳۸۶، ص ۶۷). همچنین که در بدن زن و مرد تفاوت هایی وجود دارد و محیط سینه و شانه نسبت به قد نشسته و ایستاده در هر دو جنس متفاوت است (نصرتی، ۱۳۷۵، ص ۶۹۱). البته غیر از این مورد می شود به مورد دیگری نیز اشاره کرد؛ با توجه به اینکه قید شده لباس بر تن زن پیچیده شده باشد می تواند به این علت باشد؛ که درد کمتری بر زن وارد شود. زیرا خصوصیات روحی زن به گونه ای است که در این شرایط ترس و استرس زیادی بر او وارد می شود، شاید با بستن لباس ها به تن او موجب شود این تفاوت کمی مرتفع شود (یزدیان جعفری، ص ۱۳۸۸، ۱۰۶).

نتیجه‌گیری

تفاوت‌های میان زنان و مردان ناشی از آفرینش متفاوت آن‌ها توسط خداوند است. در این راستا، نظریات فمینیستی، به ویژه فمینیسم لیبرال، در تلاش برای ایجاد برابری کامل بین زن و مرد، به تناقضاتی دچار شده‌اند.

این نظریه‌ها نتوانسته‌اند تعادلی میان حقوق برابر و نیازهای خاص زنان برقرار کنند، در حالی که قانون اسلامی با در نظر گرفتن ویژگی‌های جسمی و روانی زنان، قوانین متمایزی را وضع کرده که بیشتر با واقعیت‌های انسانی سازگاری دارد.

در زمینه مسئولیت کیفری، مشخص شد که سن بلوغ به عنوان معیاری برای تعیین مسئولیت کیفری نمی‌تواند یکسان باشد. به ویژه، دختران به‌طور متوسط شش سال زودتر از پسران به سن بلوغ می‌رسند. حتی اگر سن بلوغ را نیز مسئولیت کیفری بدانیم اگرچه ممکن است در ظاهر به نفع مردان به نظر برسد، اما در بسیاری از مسائل دیگر، از جمله تصرفات و مسائل مالی، به نفع زنان تنظیم شده است علاوه بر آن با در نظر گرفتن اصل احتیاط از جانب قاضی این مسأله به طور کل حل شده است بحث تفاوت در مجازات‌ها، تفاوت‌های جسمی و روان‌شناختی زنان می‌تواند توجیهی برای تفاوت در میزان، نوع، زمان و نحوه اجرای مجازات‌ها باشد. ویژگی‌های خاص زنان، مانند آسیب‌پذیری عاطفی و تأثیرات هورمونی، سبب می‌شود که آن‌ها در شرایط خاصی نظیر دوران قاعدگی یا بارداری، توانایی کنترل رفتار خود را کاهش دهند. این عوامل می‌توانند به عنوان دلیلی برای اعمال تخفیف یا تغییر در نوع مجازات‌ها در نظر گرفته شوند. به علاوه، قوانین اسلامی در مواردی مانند زنا و ارتداد، مجازات‌ها را بر اساس این تفاوت‌ها، متفاوت تعیین کرده‌اند. این رویکرد به عدالت و انصاف در نظام کیفری کمک می‌کند و حقوق زنان را بهتر تأمین می‌سازد. همچنین، زمان ارتکاب جرم و تأثیرات روانی آن در رفتار زنان می‌تواند ابعاد جدیدی به مسئولیت کیفری بیفزاید. این تفاوت‌گذاری مثبت نه تنها به تأمین حقوق زنان کمک می‌کند، بلکه به شناسایی و احترام به ویژگی‌های خاص آن‌ها نیز می‌انجامد. در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد که نظام حقوقی اسلام می‌تواند به عنوان

الگویی عادلانه و منصفانه در تعامل با زنان در حوزه مسئولیت کیفری عمل کند. به این ترتیب، نه تنها حقوق زنان تأمین می‌شود، بلکه عدالت اجتماعی نیز در این راستا تحقق می‌یابد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.

* قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران.

* قانون آئین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.

۱. ابن ادريس حلی، محمد ابن احمد، *السرائر*، ۱۳۹۰، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه المدرسين.

۲. ابن معروف، محمد بن عبد الخالق و علوی نصر، رضا، بی تا، *فرهنگ کتبات اللغات*، تهران: مکتبه المرتضویه.

۳. اتکینسون ریتال، ریچارد، ۱۳۷۳، *زمینه روانشناسی*، تدوین: محمد تقی براهنی، تهران: رشد.

۴. ارشدی، حمیدرضا؛ رجبی، سارا و طباطبایی، سید محمود، ۱۳۸۲، «بررسی ارزیابی و مقایسه تظاهرات گوناگون افسردگی در زنان و مردان مراجعه کننده به درمانگاه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی مشهد در شش ماهه اول سال ۱۳۸۲»، *اصول بهداشت روانی*، ش ۱۹ و ۲۰.

۵. استوارت میل، جان، ۱۳۷۹، *انقیاد زنان*، ترجمه: علاءالدین طباطبایی، تهران: هرمس.

۶. افشار؛ نیلوفر، صداقتی فرد؛ مجتبی، ۱۳۹۹، «بررسی رابطه تفاوت‌های معنایی نقش جنسی و طرحواره‌های جنسی در دختران مجرد با تجربه تعرض جنسی در کودکی»، *فصلنامه روانشناس تحلیلی-شناختی*، سال ۱۱، شماره ۴۳.

۷. آزمایش، علی، ۱۳۸۴، *مجموعه مقالات زن و حقوق کیفری*، تهران: سلسیل.

۸. آسیموف، آیزاک، ۱۳۷۲، *اسرار مغز آدمی*، تدوین: بهزاد محمود، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۹. بارون، کوهن، ۱۳۸۶، *زن چیست مرد کیست؟*، تدوین: ناصری، گیسو، چاپ دوم، تهران: جلالی.

۱۰. بروجردی، سیدحسین، ۱۳۸۷، *منبع فقه شیعه*، تدوین: حسینی، سید احمد رضا و دیگران. تهران: فرهنگ سبز.

۱۱. بستان (نجفی)، حسین، ۱۳۸۸، *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی*، قم:

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور.

۱۲. پیره، روژه، ۱۳۷۰، *روان‌شناسی اختلافی زن و مرد*، تدوین: سروری، محمد حسین، چاپ سوم، تهران: جان زاده.
۱۳. پیز، باربارا، آلن، ۱۳۸۳، *چرا مردان به حرف زنان گوش نمی‌دهند چرا زنان زیاد حرف می‌زنند*، *وبد پارک می‌کنند*، دوم، تهران: دانش.
۱۴. تاراج، شیرین و همکاران، ۱۳۸۷، «تأثیر نشانگان پیش از قاعدگی بر عملکرد حافظه ای روز مره و رویدادی»، *پژوهش در سلامت روان شناختی*، شماره ۲.
۱۵. تبریزی، جواد، ۱۳۷۵، *اسس الحدود والتعزیرات*، قم: مهر.
۱۶. توجهی عبدالعلی، توکل پور محمدهادی، ۱۳۹۰، «وجه تمایز زنا و تجاوز به عنف با تأکید بر شیوه اثبات»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، شماره ۲.
۱۷. ثابت‌بیرجندی، سمانه؛ تدین نجف آبادی و دیگران، «مقایسه تأثیر علف چای و ویتامین B6 بر درمان سندروم پیش از قاعدگی»، *مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان*، دوره ۱۳، شماره ۴.
۱۸. جان قربان، رکسانا؛ لطیف نژاد رودسری، رباب، ۱۳۹۳، «مروری بر مفهوم وساختار حقوقی باروری و جنسی در اسناد بین المللی حقوق بشر»، *مجله زنان*، شماره ۱۰۰، صص ۲۶-۱۶.
۱۹. جبعی عاملی، زین الدین، ۱۳۷۱، *روضه البیہ فی الشرح لمعه الدمشغیہ*، قم: وجدانی.
۲۰. جواهری، حسن، ۱۳۸۸، «اهلیت حقوقی، شناسایی سن بلوغ و تأثیر آن در تکلیف»، سال پانزدهم، ش ۵۹، ۵۸.
۲۱. جهانگیری، محسن، ۱۳۸۵، *بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد*، قم: تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۲. حسینی، سیدهادی؛ علی احمد راسخ و حمید نجات، ۱۳۹۷، *کتاب زن*، تهران: امیرکبیر.
۲۳. خداحیمی، سیامک، ۱۳۷۷، *روان‌شناسی زنان*، اهواز: مردمک.
۲۴. خسروی حسینی، غلامرضا، و راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، تهران: مرتضوی.
۲۵. خمینی، روح الله، ۱۳۸۵، *تحریر الوسیله (ترجمه فارسی)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۶. خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، چاپ دوم، ۱۳۹۰، نجف: دار الکتب العلمیه.

۲۷. درازی، سمیه وحاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۹۸، «نقد و بررسی جرم‌شناسی فمینیستی»، قم: دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی.
۲۸. راهب، غنچه؛ اقلیما، مصطفی؛ عباسی کمرودی و دیگران، ۱۳۸۸، «تأثیر روانی-اجتماعی کودک آزاری و نقش پلیس در پیشگیری از بروز آن»، نشریه *انتظام اجتماعی*، شماره ۲.
۲۹. رحمتی، محمد صادق، ۱۳۷۱، *روانشناسی اجتماعی معاصر*، تهران: سینا.
۳۰. رمضان، مرضیه؛ شجری، سیمین، ۱۴۰۲، «رابطه تجاوز جنسی و آثار آن بر سلامت روان با بروز رفتارهای مجرمانه»، *مقالات اولین همایش ملی روانشناسی جرم*، شیراز: موسسه آموزش عالی پشستازان شیراز و مؤسسه آموزش عالی هنر شیراز الکترونیکی سیویلکيا.
۳۱. رنجبر، مینو؛ حیدرزاده، مهدی و دیگران، ۱۳۹۴، «مقایسه افسردگی زنان در دوران بارداری و پس از زایمان»، *پژوهش‌های نوین روانشناختی روانشناسی دانشگاه تبریز*، دوره ۱۰، شماره ۴۰.
۳۲. روبن، دیوید؛ جورج رایلی و جانسون اریک وی، ۱۳۷۷، *دانستی‌های زناشویی*، تدوین: دانشور، کیومرث، دوم، کوشش.
۳۳. ساگان، کارل، ۱۳۶۸، *اژدهای بهشتی*، مشهد: اترک.
۳۴. سبزواری، سیدعبدالاعلی، ۱۴۱۳ق، *مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار.
۳۵. شب انگیز، افسانه؛ احسان پور، سهیلا، ۱۳۹۳، «ارتباط افسردگی دوران بارداری بانوع زایمان»، *مجله پزشکی هرمزگان*، سال هجدهم، دوره ۱۸، شماره ۲.
۳۶. شهید اول، ۱۴۱۰ق، *لمعه دمشغیه*، بیروت: دار العالم الاسلامی.
۳۷. شهید ثانی، ۱۴۱۳هق، *شرح لمعه*، قم: اسماعیلیان.
۳۸. شیخ صدوق، ۱۴۱۳، بابویه، ابوجعفر، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم: اسلامی.
۳۹. صانعی، یوسف، ۱۳۸۴، *استفتائات قضایی*، چاپ دوم، تهران: المیزان.
۴۰. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان*، سوم، تهران: ناصر خسرو.
۴۲. طوسی، ابن حمزه، ۱۴۰۸هق، *الوسيله الی نیل الفضیله*، قم: منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی النجفی.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ هق، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: مکتبه المرتضویه.

۴۴. علاسوند، فریبا، ۱۳۹۷، *زن در اسلام*، چاپ ششم، قم: هاجر.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، بی‌تا، «*تحریر الاحکام*»، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) الإحياء التراث.
۴۶. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۳، *تفصیل الشریعه*، قم: مرکز فقه ائمه اطهار.
۴۷. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۸۷، *بزرگسال و جوان از نظر تمایلات و افکار*، چاپ دوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۸. فیض کاشانی، شاه مرتضی؛ رجایی، محمد مهدی، ۱۴۰۱ق، *مفاتیح الشرایع*، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۴۹. قائمی، علی، ۱۳۷۱، *دنیای نوجوانی دختران*، تهران: امیری.
۵۰. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ۱۳۸۳، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۱. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۵۲. کارل، الکسیس، ۱۳۹۰، *انسان موجودی ناشناخته*، تدوین: عنایت شکبایا پور، سیزدهم، تهران: انتشارات دنیای کتب.
۵۳. کاظمی، علی، سواد کوهی فر، سام، کاظمی، علی، ۱۳۸۸، «مسئولیت کیفری تدریجی دختران»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۲، سال دوازدهم.
۵۴. کری، جان، ۱۳۷۸، *مردان مریخی زنان ونوسی*، تدوین اشرف عدیلی، هفتم، تهران: علم.
۵۵. کریمی یزدی، نفیسه؛ یاقوتی، ابراهیم و جاوید، محمد جواد، ۱۴۰۱، «تأثیر قاعدگی بر حقوق کیفری زنان در ایران»، *فقه جزایی تطبیقی*، شماره ۶.
۵۶. کیانی، مهرزاد؛ فدایی، حسن و بیگ زاده، آناهیتا، ۱۳۸۷، «سایکوز پس از زایمان و بررسی موردی نوزادکشی ناشی از آن»، *مجله علمی پزشکی قانونی*، دوره ۱۴، شماره ۴.
۵۷. گان، کریستین، ۱۳۷۵، *استخوان شناسی و مفصل شناسی*، تدوین صوفیا، نقدی. تهران: نخل.
۵۸. لطف آبادی، حسین، ۱۳۷۳، *روان شناسی رشد (۲)*، تهران: سمت.
۵۹. لی روی، مارگارت، ۱۳۷۷، *سقط جنین*، تدوین: پرویز پهلوان، تهران: نشر البرز.
۶۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۱. محقق حلی، ۱۴۰۸ق، *شرائع الاسلام*، دوم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۶۲. محقق داماد، سیدمصطفی، *قواعد فقه*، ۱۴۰۶ه ق، چاپ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۶۳. محمدحسن، امیر تیموری، ۱۳۷۶، *زمینه زیست شناختی روان شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۶۴. محمدحسن، نجفی، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تدوین: قوچانی، محمود، هفتم، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۶۵. محمدی، عبدالعلی، ۱۳۸۲، «قانون و قوادی، تأملی برکاستی‌ها، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۲، سال دوازدهم
۶۶. مرعشی، سیدمحمدحسن، تحقیقی درباره سن بلوغ، ۱۳۷۱، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۵۶، شماره ۴
۶۷. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۸، *معارف قرآن*، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *احکام بانوان*، تدوین: ابوالقاسم، علیان نژادی، چاپ یازدهم، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *یکصد هشتاد پرسش و پاسخ*، چهارم، تهران: دارالکتاب اسلامی.
۷۰. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، ۱۴۱۳ق، *فقه الحدود والتعزیرات*، قم: مکتبه الامیر المومنین.
۷۱. میرسعیدی، سید مسعود، ۱۳۸۳، مسئولیت کیفری قلمرو وارکان، تهران: میزان.
۷۲. نصرتی، احمد، علی اکبر ولایتی و سید محمد میلانی، ۱۳۷۵، *درسنامه بیماری‌های کودکان*، تهران: تیمورزاده راستان.
۷۳. نظر زاده، مریم، ۱۳۹۴، بنای تفاوت مجازات‌ها و اجرای آن‌ها بر اساس معیار جنسیت میان رشته ای، *نشریه مطالعات علوم سیاسی*، حقوق و فقه زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱.
۷۴. واسطی، عبدالحمید، ۱۳۸۲، *راهنمای تحقیق بر اساس نگرش اسلام به علم و هستی*، دوم، قم: موسسه انتشارات دار العلم.
۷۵. هاشمی، سیدحسین، ۱۳۸۳، «دختران سن رشد و مسئولیت کیفری»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ششم، شماره ۲۳.
۷۶. یحیی بن سعید، الحلّی، *الجامع للشرایع*، ۱۴۹۵هـ.ق، قم: موسسه سید الشهدا علیه السلام.
۷۷. یزدیان جعفری، جعفر، ۱۳۸۸، «نقش جنسیت در مجازات مجرم»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال دوره ۱۲، شماره ۴۵.